

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

اول اگست ۲۰۱۱

نکاتی درباره "شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران"

موضوع "چه باید کرد" و طرح برون رفت از وضعیت فعلی را می‌توان و می‌بای از زمره سر تینتر مهم و اساسی عناصر و نیروهای چپ ایران به حساب آورد. دلیل این امر کاملاً واضح است؛ چرا که چپ ایران چند دهه‌ایست از مسیر و نژم‌های اولیه فعالیت خود خارج گشته است و فاقد شکوفائی لازمه، جذب و تأثیرگذاری‌ها در درون است. متأسفانه بازخوانی و نگاه مجدد به فعالیت‌های چپ، زجرآور و غم‌انگیز است. به همین اساس شناخت حلقه‌های مفقوده و کشف صحیح وظایف عملی کمونیستی می‌تواند روند منفعلی را متغییر سازد و بار دیگر، چپ را از بی رمقی و بی جانی بدر آورد.

باورها بر آن است که هدف و وظیفه مدافعان آرمان طبقه کارگر و زحمتکش نه صرفاً در تفسیر و توضیح ماهیت جنبش‌های "اصلاح طلبانه"، "سبز" و امثالهم بلکه در تغییر جامعه سراسر نکبت‌بار ایران نهفته می‌باشد. باورها بر آن است که بدون وصل نظر و عمل کمونیست‌ها و انقلابیون، می‌توان جنبش‌های اعتراضی را به مسیر صحیح سوق داد. باورها بر آن است که بدون شرکت فعال در مبارزه طبقاتی می‌توان به نقد جامع و زنده دست یافت. به راستی که نقد به چه کارمان خواهد آمد و در کدام بستر قادر به درک و فهم ایرادات گذشته و جنبش کمونیستی ایران خواهیم بود و با اتخاذ کدامین سیاست‌ها و تاکتیک‌هاست که می‌توان، اندک گامی در جهت بهبودی اوضاع تأسفبار کنونی برداشت و دست‌های حامیان رنگارنگ سرمایه را از سر جنبش‌های اعتراض کوتاه نمود؟

در حقیقت این‌ها از جمله موارد کلیدی‌ست که چپ ایران از پاسخ‌گویی صریح بدان‌ها باز مانده است و بدون ارائه تصویر صحیح از اعتراضات مردمی و بدون اشراف و آگاهی به وظایف کمونیستی، برنامه کاری خود را پای می‌ریزد.

به باورم چپ ایران، اگر نگوئیم درد چند سره، ولی دو سره دارد. یک سر آن به تحریف مآلوقع بر می‌گردد و سر دیگر آن به بی‌عملی و فقدان حضورش در درون جامعه مربوط می‌شود و پی برده‌ایم که برای همه، تکلیف قسمت دوم آن، روشن و همچنین پذیرفته شدن است که می‌توان بدون حضور و بدون دخالت‌گری‌های عملی و بدون رو در رو شدن با نیروهای مسلط بر جامعه مان، سر و چرخه اوضاع را بر گرداند؛ به این باور دست یافته‌ایم که می‌توان

با نقد بدون مبارزه فعال و زنده، جنبش را از وضعیت ناهنجار فعلی بدر آورد؛ بر این اعتقادیم که با علم نمودن تشکلات، انجمن‌ها و شوراهای موازی، می‌توان بر پراکندگی‌های موجود فائق آمد و جنبش را یک‌گام به جلو سوق داد.

فارغ از انگیزه، اهداف و نیت عناصر و نیروهای مدافع اتحاد، واقعیات، از حکایتی دیگر سخن می‌گوید و به جرأت می‌توان گفت که اتحادهای به راه افتاده تاکنونی نه تنها در خدمت به سازندگی و فائق آمدن بر پراکندگی‌های درون نیروهای چپ نبوده بلکه حامل یأس، بی‌تفاوتی‌های هر چه بیشتر، تفرقه و ناامیدی‌ها بوده است. به تجارب تاکنونی نگاهی بیندازیم و دریابیم که چگونه پرونده همه آن اتحادها در میان تحرکات غبارآلود چپ، گم شده است و کسی حاضر به دفن جنازه آن نیست. عمق بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی را می‌توان از جانب مدافعان اتحادهای بی‌محتوا و غیر هدفمند در خارج از کشور مشاهده نمود و نشان داد که چگونه یکی پس از دیگری، یا در آغاز کار و یا در میانه راه، باز ایستادند و کسی حاضر به نقد و رد سیاست‌های غیر علمی و غیر مارکسیست – لنینیستی خودی نیست. در هر صورت چپ ایران در این عرصه هم به‌مانند دیگر عرصه‌ها، مملو از خطاها و ایرادهاست. اما جای دارد تا – با نادیده‌گیری چنین تجارب منفی –، پیش‌داوری‌ها را به کنار نهیم و ببینیم که تفاوت مابین "شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران"، [که متشکل از دانش‌جویان و .. می‌باشند]، با اتحادهای انجام شده و تاکنونی، در کجاست و در این‌میان "شورا" مبلغ و مدافع کدام سیاست و اشکال مبارزاتی‌ست و در کدام بستر و با اتخاذ کدامین سیاست‌های عملی، قصد اتحاد عناصر و نیروهای کمونیستی – تحت عنوان بلوک سیاسی چپ و سوسیالیست – را دارد؟

چند ماهی‌ست که از اعلام موجودیت "شورا" می‌گذرد و ضمن آرزوی کارهای بهتر و مطلوب‌تر برای این "شورا"، نگاه به مواردی چند از بیانیۀ آن، نمی‌تواند بی‌فایده باشد. چنان‌چه بخواهیم پروسه شکل‌گیری "شورا" را بی‌ایراد به حساب آوریم و "موافقت" خود را با آن اعلان نماییم، اما و متأسفانه نمی‌توانیم با طرح و موارد مطروحه آن، چندان توافقی داشته باشیم؛ چرا که نمود تازه و جدیدی در آن نمی‌یابیم و این "شورا" به‌مانند دیگر جریان‌ات، تشکلات، هم در عرصه سیاسی - نظری حامل دو نگاه و دو ارزیابی متفاوت از اعتراضات مردمی سال ۸۸ است و هم در عرصه عملی فاقد سیاست‌های روشن و معین می‌باشد.

در سر مقاله رادیکال ارگان این "شورا" آمده است: "دو سال از جنبش ضد استبدادی مردم ایران علیه دیکتاتوری مذهبی جمهوری اسلامی می‌گذرد. جنبش پر شماری که در پی سی سال سرکوب، تبعیض و جنایت و پس از بازی انتخاباتی تبلیغ و تقلب "مردم سالاری دینی نظام ولایت" بر آمد. خشم میلیونی‌اش را به خیابان‌ها آورد و در روندی چند ماهه تمامیت رژیم حاکم را به چالش طلبید و پروسه تکاملی‌اش را از یک اعتراض ساده به یک خیزش رادیکال و سرنگونی‌طلب طی کرد و پس از نزدیک به سه دهه از بهار سال ۶۰ بار دیگر پایه‌های ثبات سیاسی رژیم را در ابعاد میلیونی و طی چندین ماه به لرزه در آورد. خیزش به واسطه ماهیت مردمی و خیابانی‌اش، به دلیل پروسه رو به رشد و در اثر خصلت رادیکالش مهر خود را بر تمامی عرصه‌های کنش سیاسی ایران زد."

در یک جمله می‌توان گفت که ارائه چنین جمع‌بند و ارزیابی‌هایی از اعتراضات مردمی سال ۸۸، ایراد دارد. به این دلیل که شعلهور شدن خشم دوباره مردم که ریشه در سرکوب سه دهه سردمداران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی دارد، از سر صندوق‌های رأی‌گیری و با این مضمون که "رأی من کجاست، یا حسین یا میرحسین" سر در آورده است و مردم، گام به‌گام و در اثر تعرض ارگان‌های سرکوبگر رژیم جلو رفتند و در نهایت و به دلیل حاکمیت رهبری ناسالم به عقب رانده شده‌اند. متأسفانه آن اعتراضات علی‌رغم تمایل باطنی‌مان، گوش شنوای عجیبی از

رهبران سبز داشت که نمونه آخر آن در پاسخ به فراخوان "موسوی و کروبی" به مناسبت روز قدس - در خرداد ماه [جوزا] امسال -، بوده است. آن اعتراضات من حیث المجموع و بنابه دهها دلیل به سر رهبران سبز وصل بود و روشن است که جنبش بدون برنامه و جنبش مرتبط با راست را نمیتوان به پای جنبش "رادیکال" و یا جنبش "سرنگونی طلب" نوشت. چرا که ماهیت جنبشهای رادیکال را میباید با برنامه آن، با طرح شعارهای معین و رزمندهاش، با طرد و افشای نمایندگان نظام از صفوف خودی و با اهداف عملیاش شناخت. در حقیقت اعتراضات مردمی سال ۸۸ فاقد چنین مضامین روشنی و مهتر از همه اینها فاقد هدایت کمونیستی - انقلابی بوده است. پر واضح است که اعتراضات سال ۸۸ و بعد از آن نمیتوانست مسیری، خلاف، مسیر دلخواه دولت مردان گذشته رژیم جمهوری اسلامی را طی نماید. البته هیچگونه مخالفتی در آن نیست که اعتراضات مردمی دوران و بعد از انتخابات ریاست جمهوری، به مانند صدها اعتراض دیگر، در بطن خود حامل درسهای گرانها و تجربهاندوزیهاست؛ اما انتساب آن به جنبش رادیکال، و به جنبش آگاهانه و هدفمند ناصحیح، خلط مبحث و گمراه کننده می باشد.

واقعیت این است که حاکمیت رهبران سبز بر روی اعتراضات مردمی آنچنان عریان و واضح بوده است که گردانندگان "شورا" هم در قسمتی از بیانیه سیاسی اعلام موجودیت خود میگویند: "در چنین بستری بود که صاحبان قدرت دیروز و رانده شدگان از دارالخلافه امروز دست بالا را در رهبری جنبش مردم گرفتند و با ملغمه ای از توهمات و ایدئولوژی های اصلاح طلبانه، منفعلانه و سازشکارانه هر آنچه توانستند را برای مهار خشم دمافزون مردم و جوانان و حفظ نظام موجود و "قانون اساسی" اش انجام دادند. بازتاب طبیعی این خط و ایدئولوژی غیر رادیکال چیزی جز محدود ماندن دامنه طبقاتی جنبش به خواستهای اقشار میانی و متوسط شهری آن هم صرفاً در تهران و چیزی جز افول و رکود جنبش پس از تهی شدن خیابانها و به بن بست رسیدن تاکتیکهای غیر رزمنده و ناروشن نبود و در پس این رکود بود ... وقتی دشمن مردم و نمایندگان مدارا و ترمیم طلبان قدرت خود را بر تظاهرات میلیونی توده ها حاکم کرده و خط خائنانه سازش و کرنش صلاهی تسلیم و عقب نشینی سر داد...".

بر این اعتقاد که جمع بند فوق جائی برای برداشت های ناصحیح باقی نگذاشته است و با صراحت تمام پرده از نقش و جایگاه عناصر و جریانات فکری راست و وابسته به نظامی بر می دارد که با دغل کاری تمام سیاست خود را بر تظاهرات وسیع توده ها حاکم گردانده و پر واضح است که همه هدف آنان چیزی جز "افول" و "رکود" جنبش های خیابانی نبوده و نیست؛ جنبشی که به قول "شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران" "نمایندگان مدارا و ترمیم طلبان قدرت"، در آن دست بالا را داشتند. با این اوصاف و با قبول چنین افکاری آیا باز هم مجازیم تا بر پیشانی چنین جنبشی مهر "رادیکالیزم" و "سرنگونی طلب" بکوبیم؟ مگر نمودارهای جنبش های رادیکال را نباید و نمی بایست با خصلت آن، با عروج آن و با صف بندی عملی آن از نمایندگان رنگارنگ نظام های سرمایه داری دید؟ مگر نباید و نمی بایست سمت گیری ها، برنامه ها و مهتر از همه اینها هدایت آنها ملاک خود قرار داد و به اساس چنین مبنائی به ارزیابی و جمع بندی آنها نشست؟

موارد فراوانی را در این چند دهه می توان شاهد گرفت و نشان داد که هر زمان تضاد درون حاکمیت بالا گرفته و جنگ و دعواها، علنی و به خیابانها کشیده شده است، میدان برای طرح خواسته های پایمی و به حق محروم ترین اقشار جامعه آماده تر گردیده است؟ مگر نشنیده و نخوانده ایم و ندیده اید که در چنین شرایطی جامعه در کنار طرح شعارهای مدافعان نظام های سرمایه داری، شاهد طرح مطالبات کارگران، زحمت کشان، جوانان و زنان و آن هم در قالب شعارهای تند هم چون "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم"، بوده است؟ مگر این خاصیت هر نوع

اعتراضات خیابانی و جامعه در هم ریخته نیست و مگر خیابان یکدست و یک نواخت است؟ مگر ذات و خصلت هر جنبشی را نباید با چگونگی پای‌گیری آن، با سمت‌وسوی آن رقم زد؟ به بیانی حقیقی‌تر، جنبشی که برای اضافه دست‌مزد و باز پس‌گیری حقوق لگد مال شده خود با کارفرمایان و صاحبان تولیدی و سرمایه‌داران می‌جنگد، را با جنبش و اعتراضات "رأی من کو و یا حسین و میرحسین"، از هم منفک نمود و جمع‌بندی واحدی ارائه نداد. نه تنها آغازه و شکل‌گیری آن‌ها متفاوت می‌باشد بلکه ماهیتاً متفاوت‌اند و از دو منظر نظام را به نبرد فرا می‌خوانند. به راستی که روشن نیست که "شورا" به اساس کدامین ادله و به اساس کدامین جمع‌بندی و بر مبنای کدام سیاست حاکم بر اعتراضات مردمی سال ۸۸ تأکید می‌ورزد که "جنبش مردم ایران در طول دو سال اخیر، در لحظه لحظه فراز و فرودش مدرسه و مشق توده‌ها برای جنگی آگاهانه‌تر و هدف‌مندتر به قصد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و گام نهادن در مسیر یک انقلاب رهائی‌بخش واقعی بوده و هست" [سرمقاله‌ی شماره یک رادیکال].

به گمان من ارائه چنین تعبیر و تفسیری از اعتراضات مردمی ۸۸ و وصل آن به جنبش‌های "آگاهانه" و "هدف‌مند" غیر حقیقی و به معنای نادیده‌گیری ماهیت خیزش‌های آن‌دوران و همچنین نادیده‌گیری حاکمیت رهبران سبز - من‌حیث‌المجموع - بر اعتراضات مردمی می‌باشد. سبز به‌مانند "اصلاح طلبان" حکومتی دوران خاتمی، بر اعتراضات مردمی آن‌چنان سیطره‌ای انداخته بود تا جایی‌که بعضاً چپ هم شفته آن شده‌اند. دیده‌ایم که رنگ سبز در داخل و در خارج از کشور به نماد "آزادی"، "دموکراسی" و "رهائی" تبدیل گشته بود و باورها بر آن بوده و هست که این رنگ، قادر به پاسخ‌گویی حقوق اولی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده جامعه مان می‌باشد. خلاف مدافعان سر مقاله رادیکال، اعتراضات مردمی - دو ساله اخیر -، با خود نشانی از "جنگی آگاهانه" و "هدف‌مند" را نداشت و در پناه موسوی و کروبی و دیگر دار و دسته‌های مخالفان دولتی به خیابان‌ها سرازیر شده است. بنا بر این، جنبش با آن تعیینات نمی‌توانست - و نمی‌تواند - مسیر انقلاب رهائی‌بخش را طی نماید و جامعه را از شر جرثومه‌های فساد و تباهی نجات دهد. جنبشی مردمی که بنابه باور و جمع‌بندی «ارژنگ نورانی» باید اعلام نمود که: "... اگر به عنوان یک جنبش قصد تداوم دارد اولاً این تداوم فقط و فقط با گفتمان و خواسته‌های انقلابی ممکن است، دوم نیاز به یک گسست تمام عیار از ایدئولوژی و تفکرات غیر انقلابی و راست در تمام سطوحش دارد، سوم نیاز به تشکیلات و سازماندهی توده‌ای متناسب و انقلابی و رهبری مصمم و توان‌مند دارد و در پایان باید وسیع‌ترین افشار و رادیکال‌ترین طبقات و کنش‌گران جامعه‌ی ایران را به قصد سرنگونی جمهوری اسلامی و پیش‌برد یک خط انقلابی و سوسیالیستی جذب کند".

حقیقتاً که محتوای جمع‌بندی فوق نه تنها با محتوای سرمقاله رادیکال یکی نیست بلکه حامل دو پیام و دو نظر متفاوت، از واقعه واحد است که "شورا" در آغاز کار و آن‌هم در عرصه سیاسی با آن مواجه می‌باشد، که به باورم، به‌منظور رفع هرگونه ابهام و برداشت‌های نادرست، نیاز به توضیح بیشتر، روان‌تر و یا صریح‌تر دارد. علاوه بر همه این‌ها ببینیم که توصیه و یا راهکار "شورا" برای برون رفت از وضعیت فعلی چیست؟ متأسفانه "شورا" در این حوزه هم هیچ راه تازه، نوین و تعریف شده‌ای را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی - و در دورانی که اعتراضات مردمی نیاز به حمایت و پشتیبانی عملی نیروهای کمونیستی و مدافعان خود دارند -، ارائه نمی‌دهد و در سرمقاله اول رادیکال می‌گوید "'شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران' هستی جمعی و تشکیلاتی خود را از ضرورت‌های عینی بر آمده از جنبش مردمی، مبنی بر ضرورت عاجل ایجاد بلوک سیاسی چپ و سوسیالیست به قصد پیش‌برد یک خط انقلابی و کمونیستی بر گرفته است و از این منظر بررسی و جمع‌بندی از جنبش را کماکان ضرورت تئوریک و پراتیک خود و جنبش کمونیستی ایران می‌داند".

البته کج فهمی و بدفهمی عجیب و غریبی از پراتیک مبارزاتی در میان عناصر و نیروهای چپ ایران وجود دارد. همه می‌خواهند جهان را با تفسیر ناملایمات دست‌ساز سرمایه‌داران و حاکمان زورگو و یا با افشاءگری این جناح و یا آن جناح حکومتی - دولتی تغییر دهند؛ همه می‌خواهند، پرچم کمونیزم را، با نقد و بررسی جنبش‌های نافرجام برافرازند و بر نادرستی‌ها و شکست‌ها فائق آیند، بدون این‌که وظیفه خود دانند، تا بر نقش عملی و بر اهمیت و جایگاه پراتیک، اشارات صحیحی داشته باشند. نقد و بررسی و ارائه جمع‌بندی از جنبش کمونیستی و جنبش‌های اعتراضی و از این‌دست کارها مفید و سازنده است، اما ربط با واسطه، و فی‌البداهه‌ای با پراتیک نیروهای کمونیستی ندارد. بحث پراتیک و عمل، بحث زنده و عینی‌ست. به جنبش‌های اعتراضی از یک‌طرف و تحرکات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از طرف‌دیگر نگاهی بیندازیم تا بهتر دریابیم که دشمن جدا از ایجاد ارگان‌های سیاسی - عقیدتی [و جدا از نقد و بررسی ایرادات خودی و مبارزه سیاسی با جناح‌های رقیب دولتی]، ارگان‌های عملی خود را در قبال تحرکات خیابانی و کارگری - توده‌ای، سازمان داده است و به قلع و قمع آنان می‌پردازد. در مقابل نیروی مدافع میلیون‌ها انسان رنج‌دیده هم، نیازمند سازمان عمل خود می‌باشد؛ سازمان عملی که در کنار توضیح ماهیت دولت‌مردان سابق و آتی و در کنار روشن‌گری و توضیح هزاران مصائب سیاسی - اجتماعی دست‌ساز سرمایه‌داران، ارگان‌های مسلح رژیم را مورد خطاب قرار دهد و گام به‌گام آنان را از جان و مال کارگران و زحمت‌کشان پس زند. راهکار و یا طرح‌های عملی که در گفتار و نوشتار "شورا" و اعضای آن خالی‌ست و معین نیست که "شورا" چگونه و با انتخاب کدامین تاکتیک‌ها و ابزارها می‌خواهد بر وظایف خود جامه عمل بپوشاند؟ اگر "شورا" نظراً بر این اعتقاد است که بلوک پیشنهادی آنان با بلوک‌های تاکتونی و دفن شده، متفاوت می‌باشد، می‌بایست طرح‌های نوین و تازه خود را و آن‌هم به طور عملی بر روی کاغذ آورد و عملاً نشان دهد که راه آنان، خلاف راه‌های انتخابی تاکتونی‌ست.

خلاصه این‌که بررسی و جمع‌بندی از جنبش‌های اعتراضی و چپ، نیمه بسیار کوچک فعالیت‌های کمونیستی را تشکیل می‌دهد. جنبش چپ ایران نیاز به بُرش و تکان عملی دارد. این آن مقوله‌ای‌ست که هر کمونیستی در درجه اول ملزم به بیان آن و در ثانی موظف به عملی نمودن آن می‌باشد. دیدگاه و وظیفه‌ای که حتی نمود نوشتاری آنرا نمی‌توان در سرمقاله و اعلام موجودیت "شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران" دید.

۳۱ جولای ۲۰۱۱

۹ مرداد [اسد] ۱۳۹۰

لینک مطالب

<http://shorajevanan.wordpress.com/%d8%a8%db%8c%d8%a7%d9%86%db%8c%d9%87-%db%8c%d9%90-%d8%a7%d8%b9%d9%84%d8%a7%d9%85%d9%90-%d9%85%d9%88%d8%ac%d9%88%d8%af%db%8c%d8%aa/>
<http://shorajevanan.wordpress.com/2011/06/27/%d8%b3%d9%87-%d8%ae%db%8c%d8%b2-%da%a9%db%8c%d9%81%db%8c-%d8%ac%d9%86%d8%a8%d8%b4-%d9%88-%d8%b6%d8%b1%d9%88%d8%b1%d8%aa-%d8%ae%db%8c%d8%b2-%da%86%d9%87%d8%a7%d8%b1%d9%85/>
<http://shorajevanan.files.wordpress.com/2011/06/radical1.pdf>